



## کارگران جهان همبسته شوید

### گاهنامه



\* 12 ژانویه 2010

\* 22 دیماه 1388

\* شماره 147

## مجتمع صنعتی ذوب آهن اصفهان

گزارش اعتصابات و اعتراضات کارگری در این کارخانه از زبان یکی از کارگران آن

سلام

اعتصاب رانندگان کامیون که بالغ بر ۴۰۰ تن بودند و ۴ ماه حقوق شان را نگرفته بودند باعث شد که دوماه حقوق آنها بلافاصله پرداخت شود. گفتنی است که رانندگان یاد شده در طی اعتصاب تجمعی هم در برابر فرمانداری شهرستان لنجان بر پا کردند.

مورد دیگر، شرکت نسوزآذر است که در بورس هم حضور دارد و کارگران این شرکت همراه برای دریافت حقوق دست به اعتصاب می زنند که البته شرکت هم سریعاً پرداخت می کند.

در آبان ماه که حقوق بازنشستگان ذوب آهن ده روز به تاخیر افتاد، بازنشستگان در چهارراه نقاشی اصفهان که نزدیک کانون بازنشستگان ذوب آهن است تجمع کردند و چهارراه را بستند و تهدید کردند در صورت پرداخت نشدن حقوق شان مانند آذر ۷ □ اتوبان اصفهان شهر کرد را در گردنه فولادشهر و نزدیک درب ذوب آهن مسدود خواهند کرد که در عرض ۲ روز حقوق شان پرداخت شد. مورد دیگر، تاخیر در پرداخت پاداش ماهانه کارکنان رسمی ذوب آهن است که در طول تاریخ شرکت یک بار سابقه دارد که آن یک بار هم با اعتصاب کارگران مواجه شد. در کارخانه شایعاتی پخش شده که به علت بحران مالی شرکت ممکن است پاداش های ماهانه لغو شود یا به میزان قابل توجهی کاهش یابد. این شایعات به اضافه تاخیر در پرداخت حقوق و پاداش ماهانه باعث شده که زمزمه هایی درباره اعتصاب در میان کارگران رسمی شرکت که نقاط حساس تولید در کارخانه را در دست دارند آغاز شود. مسئولان مالی ذوب آهن می گویند که دولت کمکی به این شرکت نمی کند. متأسفانه به علت عدم اطلاع رسانی این تحولات و اتفاقات احتمالی پیش رو از دید رسانه ها مخفی مانده است در صورتی که ذوب آهن اصفهان مجمع بزرگی است که بیش از ۸۰۰۰ پرسنل رسمی و ۱۰۰۰۰ پرسنل دارد.

انتشار: اتحادیه آزاد کارگران ایران - 12 دی ماه 88

من در کارخانه ذوب آهن اصفهان کار می کنم. این کارخانه دچار بحران مالی شدیدی است و در آستانه ورشکستگی است. هر ماه کارخانه شاهد چندین اعتصاب کارگری در شرکت های پیمانکاری است و اوضاع آن رو به وخامت بیشتر می رود. علت آن، بدهی صدها میلیاردی کارخانه، کساد بازار محصولات فولادی اعم از تیرآهن، میلگرد و... واردات تیرآهن و میلگرد چینی و قیمت های پایین این محصولات است، به نحوی که هزینه تولید بیشتر از قیمت فروش است.

مشکل دیگر ذوب آهن این است که پرداخت حقوق بازنشستگان این شرکت با خود ذوب آهن است و از بودجه جاری کارخانه پرداخت می شود و به تازگی با خصوصی شدن فولاد مبارکه و فولاد خوزستان که به همراه ذوب آهن اصفهان عضو صندوق بازنشستگی شرکت ملی فولاد هستند، پرداخت حقوق بازنشستگان این دو شرکت هم به ذوب آهن اصفهان محول شده که در سال بار مالی 280 میلیارد تومانی را به ذوب آهن تحمیل می کند.

به دلیل مشکلات یاد شده بدهی ذوب آهن به شرکت های پیمانکار زیاد شده و شرکت های پیمانکار توان پرداخت حقوق کارگران شان را ندارند. کارگران بیشتر این شرکت ها از دو تا شش ماه حقوق شان را دریافت نکرده اند و هفته ای نیست که کارگران یکی از شرکت ها دست به اعتصاب زنند.

چندی پیش کارگران شرکت های پیمانکار سه شرکت که در پروژه توازن ذوب آهن کار می کنند در جلوی ساختمان مدیریت ذوب آهن تجمع کردند و برای چندین ساعت پرسنل اداری را در ساختمان محبوس کردند و به کسی اجازه خروج از ساختمان ندادند تا سرانجام معاون نیروی انسانی ذوب آهن به میان کارگران آمد و به آنها قول داد با پرداخت بدهی شرکت های شان، حقوق آنها که شش ماه پرداخت نشده، داده شود. مورد دیگر، اعتصاب رانندگان کامیون های حمل و نقل ذوب آهن است که پیمانکار آن شرکت احیاگستران از زیرمجموعه های شرکت احیافولاد سپاهان است که در مالکیت... و... می باشد.

نشان دادن حکمی اقدام به تفتیش منزل ایشان کردند و طی صورتجلسه ای گیس کامپیوتر، ماهواره و برخی لوازم شخصی رضا رخشان را با خود بردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن بازداشت رضا رخشان و به زندان افکندن 5 نفر از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه این کارگران از زندان است و عموم سازمانهای کارگری در ایران و سراسر جهان را به اعتراض علیه زندانی کردن کارگران نیشکر هفت تپه فرا میخواند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 14 دی ماه 88

[www.ettehadeh.com](http://www.ettehadeh.com)



## بازداشت رضا رخشان مسئول روابط عمومی

### سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز 14 دی ماه 88 ساعت 8/30 صبح رضا رخشان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در محل کار خود پس از احضار به حراست کارخانه، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

بنا بر این گزارش حدود ساعت 12 ظهر نیز 4 نفر از مامورین امنیتی به درب منزل رضا رخشان مراجعه کرده و علیرغم اعتراض همسر وی با

## کارگران کارخانه لاستیک البرز دست به اعتصاب زدند

با وجود گذشت 9 روز از ماه دی، این کارگران هنوز موفق به دریافت حقوق ماه گذشته خود نیز نشده و هم چنین 5 ماه است که لیست بیمه این کارگران به تامین اجتماعی ارسال نشده است و دفترچه های درمانی آنان نیز تمدید نمی شود. مدیریت کارخانه هفته گذشته به جای پاسخ گویی به کارگران با اداره اطلاعات تماس گرفته و گفته بود که نمایندگان کارگران کارخانه لاستیک البرز قصد دارند کارگران را تحریک به ایجاد اغتشاش نمایند. کارگران نیز در واکنش به عدم پاسخ گویی مدیریت و در مقابل این اقدام فریب کارانه دست از کار کشیدند و هم اکنون در مقابل مدیریت کارخانه و در داخل کارخانه دست به تجمع زده اند

چهارشنبه نهم دیماه، کارگران کارخانه لاستیک البرز دست از کار کشیدند. این کارگران از ساعت 10 صبح در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه دست به اعتصاب زده و خواهان دریافت 5 ماه حقوق خود که از سال گذشته معوق مانده است، شدند. هفته پیش نمایندگان این کارگران به دفتر مدیریت کارخانه مراجعه نموده و خواهان گفتگو در مورد حقوق معوقه خود و نیز تعویق در دریافت دستمزد ماهانه خود شدند، اما مدیریت با بهانه این که این کارگران نماینده کارگران کارخانه نیستند و بایستی انتخابات شورای کارخانه تجدید شود از پذیرفتن نمایندگان کارگران خودداری کرد. این در حالی است که این نمایندگان جزو 27 نماینده منتخب مجمع عمومی سال گذشته کارگران می باشند.

## اخراج 9 نفر از نماینده های کارگران کیان تایر (لاستیک البرز)

### در صورت عدم بازگشت بکار فوری این نماینده ها، کارگران کیان تایر دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی خواهند زد

مدیریت کارخانه ناچار شد روز بعد یعنی دهم دیماه 50 درصد از دستمزد ماهیانه این کارگران را پرداخت کند و پرداخت 50 درصد باقی مانده دستمزد ماهیانه آنان را به روز دوشنبه مورخه 88/10/14 موکول نماید اما از روز شنبه مورخه 88/10/12 مدیریت کارخانه را ترک و تا امروز 20 دی ماه کارخانه و کارگران را به حال خود رها کرد.

بدنبال این وضعیت صبح امروز بیستم دی ماه نماینده های کارگران برای طرح مشکل خود به سازمان حمایت از صنایع رفتند و حدود ساعت 14 که به کارخانه باز گشتند متوجه شدند تعدادی از اعضای هیئت مدیره به کارخانه آمده اند و حکم اخراج 9 نماینده را که به سازمان حمایت از صنایع رفته بودند صادر کرده و این حکم را بدست نگهبانی داده اند تا ضمن ابلاغ آن به نماینده ها از ورود آنان به کارخانه جلوگیری شود. بر اساس آخرین گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران فردا 21 دی ماه این 9 نماینده جهت شکایت و اعتراض

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، امروز مدیریت کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) حکم اخراج 9 نفر از نماینده های کارگران این کارخانه را صادر و از ورود آنها به محل کارخانه ممانعت کرد که این عمل خشم کارگران کیان تایر را برانگیخت. بطوری که این کارگران پس از شنیدن خبر اخراج 9 نفر از نماینده های خود و جلوگیری از ورود آنها به کارخانه، کار خود را ترک و با توجه به ساعات پایانی کار به محل ترمینال سرویسهای کارخانه آمده و با جلوگیری از حرکت سرویسها دست به تجمع زدند و پس از سخنرانی یکی از نماینده ها، اعلام کردند چنانچه فردا این نماینده ها بر سر کارهای خود بازنگردند دست به اعتصاب زده و اقدام به تجمع اعتراضی در مقابل بخشرداری چهار دانگه خواهند کرد.

بنا بر این گزارش پس از اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در روز نهم دیماه که در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه دستمزد معوقه سال گذشته و عدم پرداخت بموقع دستمزد ماهیانه ... صورت گرفت

یک مجمع عمومی بزرگ از سوی کارگران به نمایندگی آنان انتخاب شدند.

### اتحادیه آزاد کارگران ایران - بیستم دی ماه 88

[www.ettehadeh.com](http://www.ettehadeh.com)  
[k.ekhrabi@gmail.com](mailto:k.ekhrabi@gmail.com)

به اخراج شان به وزارت کار مراجعه خواهند کرد و چنانچه همانجا حکم بازگشت به کار آنان صادر نشود کارگران کیان تایر با دست کشیدن از کار در مقابل بخشداری چهاردانگه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. لازم به یاد آوری است این 9 کارگر که حکم اخراج شان صادر شده است سال گذشته و بدنبال اعتراضات کارگران کیان تایر، با برگزاری

## زنان و بیانیه موسوی

کشیده شد و اقلیت های ملی سرکوب شدند. در آن دوران است که اولیه ترین حقوق کارگران و زحمتکشان لگدمال شد.

در آن دوران است که به فرمان خمینی حجاب اجباری شد، گشت های کنترل حجاب زنان ایجاد شد، زنان به «جرم» عاشق شدن سنگسار شدند، حق سرپرستی کودک از زنان گرفته شد، حق طلاق به مردان داده شد، حق انتخاب شغل از زنان سلب شد، حق زن بر بدنش از او گرفته شد و صد ها قوانین ستمگرانه دیگر علیه زنان تصویب شد.

آری کلیه این قوانین اسارت بار بر کرده زنان در دوران رهبری خمینی و نخست وزیری آقای موسوی و دوران طلایی مورد نظر او نهادینه شدند. و از آن زمان تا کنون زنان به اشکال مختلف بر علیه کلیه این قوانین زن ستیز مبارزه کرده اند. برای همین در چند ماهه اخیر خیل عظیمی از زنان مثل سیل مذاب به خیابان ها سرازیر شدند و اعلام کردند که سی سال بردگی بس است.

اینک در رسانه های مختلف این تبلیغات براه انداخته شده که بیانیه موسوی کف مطالبات مردم است. کف مطالبات کدام قشر و طبقه از مردم؟ این بیانیه کف مطالبات دارودسته ارتجاعی رهبران «سبز» و سازشکاران در داخل و خارج است و هیچ ربطی به کف مطالبات مردم و بطور مشخص زنان ندارد.

پیام اصلی این بیانیه به دولت ایران این است که هنوز جا دارد که بر سر حفظ نظام با یکدیگر وارد معامله شویم در غیر این صورت این امکان وجود دارد که همه ما سرنگون شویم.

کف مطالبات زنان در ایران چانه زدن و معامله با سرکوبگران و عاملین فرودستی شان و یا تغییر چند قانون نیست، بلکه بدست آوردن کلیه مطالبات پایه ایشان است. کف مطالبات زنان لغو حجاب اجباری است. و امروز در میدان نبرد است که بسیاری از زنان این خواست را عملی می کنند. کف مطالبات زنان جدائی دین از دولت است. دینی که در سی سال گذشته در قوانین نوشته و نا نوشته، زنان را برده بردگان کرده است. و این زنان جسور و بی باک هستند که حجاب را به زیر می کشند و دست در دست پسران جوان به رویا رویی عملی با نظام مذهبی در روز عاشورا می پردازند. کف مطالبات زنان لغو کلیه قوانین و مجازات های اسلامی است که بدون سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی بدست نخواهد آمد.

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

16 دی 1388 برابر با 6 ژانویه 2010

[zan\\_dem\\_iran@hotmail.com](mailto:zan_dem_iran@hotmail.com)

[www.8mars.com](http://www.8mars.com)

جنبش مردم که زنان بخصوص دختران جوان نقش مهم و پیشرویی را در آن داشته اند، وارد مرحله نوینی شده است. روز 6 دی (عاشورا) فریاد «مرگ بر خامنه ای» فضای جامعه را پر کرده بود. در صحنه های غرور آفرین مبارزات مردم، زنانی را می بینیم که حجاب این سمبل اسارت را به زیر کشیده و در سنگر بندی ها و یورش به نیروهای سرکوبگر رژیم نقش ارزنده ای را ایفا نمودند.

رژیم در سی سال گذشته تلاش کرد که با برگزاری مراسم عقب مانده و پوسیده عاشورا مناسبات مردسالاری را هر چه بیشتر تقویت کند. اما امسال زنان با به زیر پا گذاشتن خرافه و سنت های ارتجاعی، این روز را به روز مبارزه علیه نظام کهنه پرست و ضد زن مذهبی بدل کردند.

مبارزه الهام بخش مردم و نقش زنان در 6 دی همه مرتجعین و سازشکاران را دستپاچه کرده و به عکس العمل وا داشته است. مرتجعین حاکم وحشت زده می خواهند با اعدام و شکنجه و سبیت بی حد روحیه مبارزاتی مردمی را که هر چه بیشتر پایه های نظام جمهوری اسلامی را به درستی نشانه رفته اند، خراب کنند و با براه انداختن حمام خون جو رعب و وحشت در میان مردم ایجاد کنند.

رهبران «سبز» در داخل و خارج از کشور سراسیمه شده و با انتشار بیانیه «آشتی ملی» تلاش دارند در مقابله با روحیه مبارزه جویانه مردم علیه رژیم، روحیه تسلیم طلبی و خواسته های کوچک را علم کنند. چرا که مردم از چارچوبه های تعیین شده توسط اینان عبور کرده است.

موسوی در بیانیه شماره 17 خود به دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. وی از این می ترسد که مبارزات مردم در پیشروی خود کل نظام جمهوری اسلامی را به زیر کشد و آنگاه مسئله جابجائی وی با احمدی نژاد موضوعیت خود را از دست بدهد.

موسوی در کلیه بیانیه های خود به مردم این «وعده» را می دهد که می خواهد جامعه ما را به دوران رهبری خمینی برگرداند. در آن زمانی که وی نخست وزیر بود. آن دوران برای موسوی و همفکرانش دوران طلایی محسوب می شود.

در آن دوران است که کشتار وسیع زندانیان سیاسی در دهه 60 و تابستان 67 انجام شد. هزاران هزار زندانی سیاسی اعدام و در گور های دستجمعی دفن شدند. در آن دوران است که کردستان به خاک و خون

## مبارزات دانشجویی و لزوم پیوند آن با جنبش کارگری

کنونی، که مبارزات دانشجویی بخشی از آن به حساب میاید، از این خواستها عبور کرده است.

دانشجویان چپ و سوسیالیست، هم به دلیل همراهی با سیر رو به پیشرفت جنبش توده‌ای و هم به دلیل مطرح کردن ضرورت پیوند زدن جنبش دانشجویی با جنبش کارگری نماینده واقعی منافع توده دانشجویان هستند. پیوند اکثر دانشجویان با طبقه کارگر فقط سیاسی و یا آرمانی نیست، طبقاتی نیز هست. طبعا بخش زیادی از دانشجویان به خانواده‌های کارگری تعلق دارند. گذشته از این واقعیت، شرایط بحران اقتصادی در کشور به حدی عمیق است که در آینده تعداد بسیار زیادی از فارغ التحصیلان دانشگاهها به طبقه کارگر خواهند پیوست. هم اکنون بیش از سه میلیون دانشجو در کشور به تحصیل مشغولند که اکثریت آنها را زنان و دختران جوان تشکیل میدهند. بخش قابل توجهی از اینان و مخصوصا زنان پس از فارغ التحصیلی به خیل میلیونی کارگران بیکار خواهند پیوست و جمعی نیز کارگر خواهند شد. اینها واقعیاتی است که اکثر خانواده‌ها با آن آشنا هستند. بر اساس گزارشات منتشره:

شهرداری منطقه یک خرم آباد اخیراً اعلام کرد که در پی استخدام 120 رُفنگر مورد نیاز خود متوجه شد که 113 تن از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده اند. ارقام موجود نشان می دهند که واقعه شهرداری منطقه یک خرم آباد، نه رویدادی استثنایی، که در نوع خود آئینه دلواپسی و بحران بیکاری فراگیری است که بیش از همه علاوه بر جامعه جوان، بخش تحصیلکرده همین جمعیت را تحت تاثیر قرار می دهد.

بر اساس همین گزارش ها، افزایش شمار فارغ التحصیلان دانشگاهی و تغییرات کیفی و کمی در ترکیب بیکاران کشور، به تبع نیروی معترض اجتماعی به وجود آورده است، به طوری که تنها در پنج سال گذشته شمار دانشگاهیان بیکار معادل 66 درصد بیشتر شده است.

این واقعیات عیان میکنند که منافع دانشجویان و طبقه کارگر به لحاظ استرژیک به هم گره خورده است. در حال حاضر کارگران به صورت آحاد در مبارزات توده‌ای شرکت دارند. سیر عینی پیشرفت مبارزات نمایانگر احتمال حضور توده‌ای کارگران بخشهای مختلف، اعم از شاعل و بیکار، با بنرها، پلاکاردها، خواستهای مشخص و صفوف مستقل در مبارزات توده‌ای هستند. لازم است دانشجویان از هم اکنون راه را برای حضور مشخص کارگران در مبارزات هموار کرده و به محض متحقق شدن آن به صفوفشان بپیوندند. این امر جنبش دانشجویی را تقویت و تحقق خواستهای حداقل کنونی را کم هزینه تر خواهد کرد. برای اینکار لازم است دانشجویان چپ و سوسیالیست صفوف خودشان را متحد کرده و آنرا هر چه بیشتر از سبزها و کلیه لیبرالها به طور کامل جدا کنند.

حضور طبقه کارگر سبب خواهد شد تا جنبش کنونی از حالت بی بدیلی دربیاید و با اتخاذ یک استرژژی سوسیالیستی مبارزات کنونی را از افتادن به دست نمایندگان لیبرال و ناسیونالیست و یا در غلطیدن به دام هرج و مرج برهاند. بر بستر چنین پروسه‌ای تقویت تشکلهای کمونیستی موجود و یا ایجاد تشکلات کارگری و سیاسی جدید جنبش را گامهای زیادی به جلو خواهد برد و امکان تحقق مطالبات دانشجویان را سریعتر خواهد کرد.

**گفتار روز تلویزیون کومه له سایت پیام <http://www.payam.nu>**

هجوم به دانشگاهها، زخمی و دستگیری وسیع دانشجویان معترض و مقاومت و اعتراض رو به گسترش دانشجویان پسر و دختر در مقابل تعرضات رژیم به صورت امری روزانه درآمده است. حمله روز نهم دیماه نیروهای سازمانیافته لباس شخصی به دانشگاه آزاد مشهد، زخمی کردن دهها دانشجو و دستگیری 210 نفر از آنان آتش اعتراضات دانشجویی و پشتیبانی مردمی از آنها را پر شعله تر کرد. اکنون در چندین دانشگاه کلاسهای درس و حضور در جلسات امتحانات به اعتراض نسبت به جنایات رژیم تحریم شده و تجمعات اعتراضی رو به افزایش است. از نمونه این تجمعات گردهمائی با شکوه هزاران دانشجو دانشگاه آزاد شهریار در نهم دی میباشد که با شعارهای گوناگون از جمله "مرگ بر دیکتاتور" برگزار گردید. تحریم امتحانات توسط دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با خواست آزادی دانشجویان زندانی، که خبرش روز 14 دی پخش شد، نمونه دیگری از اعتراضات بوده و نشانه گسترش جغرافیائی این اعتراضات میباشد.

تاریخ دانشجویان و بویژه در غیاب مبارزات توده‌ای پیشقراول مبارزات آزادیخواهانه بوده و با توده‌ای شدن این مبارزات خود به جزء جدائی ناپذیری از آن تبدیل شده‌اند. آنها در پروسه مبارزات هم از کشمکشها، مطالبات و اکسیونهای توده‌ای الهام گرفته و هم آنها را تقویت کرده‌اند و این امری است که ما هم اکنون شاهد آن هستیم. در روز 16 آذر توده مردم همراه با دانشجویان در تهران و شهرستانها دست به تظاهرات گسترده خیابانی و درگیری شجاعانه با سرکوبگران زده و با شعار "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه" و آتش زدن عکس خمینی این امر را قطعی کردند که خواست اصلی مبارزات آزادیخواهانه کنونی سرنگونی رژیم بحران زده و جنایتکار جمهوری اسلامی میباشد. از فردای روز 16 آذر اعتراض و مبارزه علیه رژیم مستمر شد و این روند هم اکنون در دانشگاهها رو به گسترش دارد. گستردگی حملات خشونت بار و جنایتکارانه سرکوبگران به دانشجویان نمایانگر نقش بارز آنها در مبارزات توده‌ای میباشد. شواهد گواهی میدهند که افزایش میزان خشونت نیروهای سرکوبگر رژیم مبارزات دانشجویی را گسترده کرده و رادیکالیسم آنها تقویت نموده است و این عینا همان روندی است که در مبارزات توده‌ای دیده میشود. رژیم مستاصل جمهوری اسلامی در حال حاضر ابراز کارائی جز اتکا به نیروهای سرکوب علیه توده‌های آزادیخواه ندارد و این امر صرفا بر گسترش دامنه و رشد سریعتر مطالبات رادیکال مبارزین افزوده است.

دانشجویان طی سی سال گذشته به اشکال گوناگون زیر فشارهای مذهبی و فرهنگی و یا سرکوب جنایتکارانه نیروهای جمهوری اسلامی قرار داشته و مستمرا علیه این رژیم دست به مقاومت و مبارزه زده‌اند. مبارزات کنونی البته یکدست نیست. به دلیل سهمیه‌بندی، نوع گزینش و متعلق بودن دانشجویان به طبقات مختلف مواضع دانشجویان به لحاظ سیاسی نمی توانسته و نمی تواند یکدست باشد و این امر در شکل مبارزات تاثیرگذار است. اما دانشجویان خواستهای مشترکی دارند که میتوان آنها را چنین خلاصه کرد: ضدیت با استبداد، تامین آزادیهای سیاسی و مدنی، حفظ استقلال دانشگاه، کوتاه کردن دست نیروهای سرکوب شامل اراذل لباس شخصی از مراکز آموزشی عالی و خوابگاههای دانشجویان، آزاد کردن همه دانشجویان زندانی و مجازات کردن حمله‌کنندگان به دانشجویان. اینها خواستهائی برحق و قابل پشتیبانی هستند، اما جنبش توده‌ای